

بررسی اثربخشی بازی درمانی مبتنی بر رابطه والد - کودک (CPRT) بر سبک های

فرزندپروری

فاطمه امیر

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده^۱

حسین حسن آبادی

استادیار گروه مشاوره خانواده دانشگاه فردوسی مشهد

سید محسن اصغری نکاح

استادیار گروه روان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

زهرا طیبی

استادیار گروه مشاوره دانشگاه فردوسی مشهد

دریافت مقاله: ۹۰/۸/۲۵ پذیرش مقاله: ۹۱/۱/۲۱

چکیده

هدف: هدف پژوهش بررسی اثربخشی بازی درمانی مبتنی بر رابطه والد-کودک به مادران (CPRT) بر سبک های فرزندپروری بود.

روش: نمونه پژوهشی مزبور دربرگیرنده والدین کودکان یک مهد کودک است که به صورت نمونه گیری در دسترس از میان مهد کودک های منطقه تبادلکان شهر مشهد انتخاب شده و ۲۰ نفر مادر کودکان ۴-۶ ساله نیز به صورت گمارش تصادفی در دو گروه آزمایش و مداخله نما (در هر گروه ۱۰ نفر) قرار گرفتند. آزمودنی های گروه آزمایش ۱۰ جلسه ۲ ساعته آموزش گروهی بازی درمانی مبتنی بر رابطه والد- کودک را دریافت کردند و آزمودنی های گروه مداخله نما تحت آموزش تغذیه و شرکت در جلسات در مورد امکانات مهد کودک قرار گرفتند. تمام آزمودنی ها مقیاس سبک های فرزندپروری بامریند را قبل و پس از مداخله پر کردند. پس از ۱ ماه به منظور پیگیری هردو روه مجدداً پرسش نامه مربوطه را تکمیل نمودند.

نتایج: تحلیل واریانس مختلط نشان داد که آزمودنی هایی که آموزش دریافت کرده بودند در مقایسه با سایر آزمودنی ها افزایش در به کارگیری سبک فرزندپروری مقتدرانه و کاهش در به کار بردن

۱- کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

سبک فرزندپروری استبدادی نشان دادند. از طرفی سبک فرزند پروری سهل گیرانه به لحاظ آماری و به طور معنی داری تفاوتی در نمرات دو گروه ایجاد نشد.

نتیجه گیری: در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که بازی‌درمانی مبتنی بر رابطه والد-کودک بر بهبود به کارگیری سبک‌های فرزندپروری اثرگذار است.

کلید واژه‌ها: بازی درمانی مبتنی بر رابطه والد-کودک ، سبک‌های فرزندپروری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

خانواده در مفهوم کلی خود پدیده‌ای جهانی است که در هر جا وجود دارد و حالتی همه شمول و فراگیر دارد زیرا به آن دسته از نیازهای آدمی پاسخ می‌گوید که برای تمامی نوع بشر مشترک هستند و لذا در گستره جغرافیا هر کجا که انسانی زیست می‌کند و در عمق تاریخ تا آنجا که نشانی از حیات انسان مشاهده می‌شود خانواده وجود داشته است (محدث، ۱۳۷۲). در میان اعضای خانواده، مادر نخستین شخصیتی است که با کودک نه تنها در دوران جنینی، بلکه در این جهان رابطه مستقیم و تنگاتنگ دارد. از میان عوامل متعدد روابط انسانی مؤثر در رشد و تکامل کودک، شخصیت مادر و نحوه تعامل او با کودک اهمیت اساسی دارد (مهرافروز، ۱۳۸۷؛ نقل از تقی‌زاده طبسی، ۱۳۸۵).

چگونگی برقراری ارتباط مادر با کودک از اهمیت خاصی برخوردار است. شاید بتوان گفت یکی از بهترین روشهای وارد شدن به دنیای کودک از طریق بازی است. بازی نه تنها می‌تواند بر جسم و روان کودک تأثیر گذار باشد بلکه می‌تواند بر نحوه ارتباط مادر با کودک نیز مؤثر واقع شود. والدین از سبکهای متفاوتی برای پرورش فرزندان خود استفاده می‌کنند.

بامریند^۱ (۱۹۹۱) از سبک‌های فرزندپروری استبدادی، مقتدر و آزادگذار^۲ نام برد. بامریند (۱۹۹۱) بیان می‌کند که والدین مستبد روابط سرد همراه با کنترل زیاد را بر فرزندان خود اعمال می‌کنند. والدین مقتدر، کنترل خود را همراه با رابطه گرم و پاسخ‌گویی به فرزندان خود دارند در حالی که والدین سهل‌گیر، انتظارات اندکی از فرزندان خود داشته هیچ‌گونه کنترل و پاسخ‌گویی هم نسبت به آنان ندارند (خوئی‌فر، رجایی و محب راد، ۱۳۸۶). والدین مقتدر واقعیت‌ها و بینش‌های شناختی را به کودکان منتقل می‌سازند و تمایل بیشتری برای پذیرش دلایل کودک در رد یک رهنمود از خود نشان می‌دهند. این والدین سخنوران خوبی هستند و اغلب برای مطیع‌سازی از استدلال و منطق بهره می‌جویند و نیز به منظور توافق با کودک از ارتباط کلامی استفاده می‌کنند (گارسیا^۳، ۲۰۰۶).

والدین سهل‌گیر فرزندان خود را کنترل نمی‌کنند، از آنان توقعی ندارند، در امور خانه نظم و ترتیبی ندارند و در تنبیه کردن یا پاداش دادن به فرزندان خود چندان جدی نیستند. نمایش قدرت والدین اولین عاملی است که شیوه استبدادی را از دو شیوه دیگر متمایز می‌سازد. این والدین بسیار پرتوقع بوده و

¹ Bamrind

² authoritative, authoritarian & permissive

³ Garcia

پذیرای نیازها و امیال کودکان نیستند (کمیجانی و ماهر، ۱۳۸۶).

در پژوهشی که توسط به لقان آبادی، کیمیایی و امیر(۲۰۱۱) انجام شد به بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و کیفیت زندگی کودکان و سلامت روان آن‌ها پرداخته شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که به طور کلی بین انتخاب شیوه‌های فرزندپروری با کیفیت زندگی کودکان و سلامت روان آن‌ها رابطه وجود دارد.

همچنین نتایج پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری با متغیرهایی همچون افزایش انگیزه برای تحصیل (گات فراید^۱، ۱۹۸۵)؛ افسردگی کودکان (لین وای^۲، ۲۰۰۲)؛ خودکنترلی کودکان (گرلینک^۳، ۱۹۸۶) ارتباط دارد.

همانطور که در تحقیقات اشاره شده مشهود است استفاده از سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه بر جنبه‌های مختلف رشد کودک و بهبود مشکلات رفتاری، هیجانی و اجتماعی تأثیر بسزایی دارد. پژوهش‌های بسیاری به بررسی اثربخشی سبک‌های فرزندپروری و در ایران و خارج از ایران بر حوزه‌های مختلفی مانند مهارت‌های اجتماعی، خودکارآمدی تحصیلی، بهبود مشکلات رفتاری، کاهش افسردگی و اضطراب پرداخته است که اکثر این پژوهش‌ها اثربخشی معنادار سبک فرزندپروری مقتدرانه و ارتباط پذیرا و همدلانه را بر این مقوله‌ها تأیید می‌کند. اهمیت شیوه و سبک فرزندپروری پروری محقق را بر آن داشت که به بررسی تاثیر آموزش بازی درمانی مبتنی بر ارتباط والد-کودک بر سبک فرزندپروری مادران بپردازد.

یکی از بهترین روش‌های برقراری ارتباط با کودک، بازی است. بازی نیز همسان با سایر پدیده‌ها ابعاد و جنبه‌های وسیعی را دربرمی‌گیرد. لذا ارائه تعریفی جامع و مانع از آن مشکل است (خدایی خیای، ۱۳۸۰). بازی وسیله طبیعی کودک برای بیان و اظهار «خود» است. لندرت^۴ (۱۹۸۲)، اظهار می‌دارد که بازی کردن برای کودک مساوی است با صحبت کردن برای یک بزرگسال (آرین، ۱۳۷۸).

بازی درمانی مبتنی بر ارتباط والد-کودک به دلیل تمرکز بر کودک می‌تواند روشی مناسب برای برقراری ارتباط با کودک در نظر گرفته شود. این روش از مبانی نظری راجرز گرفته شده است. روش درمانی کارل راجرز موجب تحلیل نظریه ارتباط درمانی و ایجاد درمان غیرمستقیم (بدون رهنمود) را فراهم نمود، (لندرت و برتون^۵، ۲۰۰۶).

¹ Gotfried

² Lin-y

³ Grolink

⁴ Landreth

⁵ Bratton

آموزش بازی درمانی مبتنی بر رابطه والد-کودک به والدین اولین بار توسط برندگورنی^۱ (۱۹۶۴) با استفاده از مفاهیم و اصول بازی درمانی کودک - محور اکس لاین^۲ انجام شد. در اوایل کار حرفه‌ای گورنی در سالهای ۱۹۵۰ تا اوایل ۱۹۶۰ او به اهمیت نقش والدین در تربیت و تعامل با فرزندانشان پی برد. او از والدین دعوت می‌کند به تماشای آنچه در اتاق بازی اتفاق می‌افتد بنشینند. قدم بعدی گورنی این بود که از والدین درخواست می‌کرد تا نقش بیشتری را در اتاق بازی بر عهده بگیرند و در حضور او به بازی با کودک بپردازند (پیرسون^۳، ۲۰۰۸).

در سال ۱۹۸۰ لندرت و برتون مدل کوتاه مدت خود را که یک مدل ۱۰ جلسه‌ای است ارائه دادند (درروز، ۱۳۸۹). مدل آموزشی بازی درمانی مبتنی بر رابطه والد-کودک - به والدین، یک مدل ۱۰ جلسه‌ای آموزش به والدین و یا فردی است که از کودک مراقبت می‌کند. این مدل به محکم کردن ارتباط بین کودک و والد منجر می‌شود (لندرت و برتون، ۲۰۰۶). هر هفته به مدت ۳۰ دقیقه کودک مرکز توجه والدین است. در این مدل آموزشی کودک احساس توانمند بودن، اهمیت داشتن و مورد پذیرش واقع شدن را تجربه می‌کند. کودک احساس بهتری نسبت به خود پیدا می‌کند. (واکر^۴، ۲۰۰۲).

سیاری از والدین در زمان و فضای مشترک با کودکانشان به سر می‌برند اما با احساسات و نیازهای کودک خود بیگانه‌اند. پدر و مادر بودن بسیار فراتر از رویدادی زیستی است. فرزندان به زمان کافی برای مشارکت هیجانی با والدینشان نیاز دارند و پدر و مادرها باید بدانند که برای برقرار شدن ارتباط لازم، چگونه باید به شیوه‌هایی کارآمد به تعامل با کودکان خود بپردازند (داورپناه، ۱۳۹۰).

ایجاد رابطه‌ی گرم و پذیرنده، به کاربردن سبک و روش مناسب فرزندپروری و فراهم آوردن محیطی که کودک در آن احساس امنیت و آرامش خاطر کند از عواملی است که تأثیر بسزایی در سلامت روان کودک دارد. از طرفی از بازی می‌توان به عنوان روشی برای برقراری این ارتباط استفاده کرد. بازی وسیله‌ای طبیعی برای بیان و اظهار وجود کودک است. با توجه به اینکه بسیاری از والدین با دخالت نامناسب و بی‌موقع خود در بازی کودک استقلال و خودمختاری کودک را سلب می‌کنند و با روش‌های صحیح بازی و تأثیر مثبت آن بر رشد کودک آشنایی ندارند، محقق به آموزش بازی درمانی مبتنی بر ارتباط والد-کودک به مادران برای ارتقاء رابطه‌ی مادر - کودک می‌پردازد.

هدف اصلی این مطالعه افزایش سبک فرزندپروری مقتدرانه و کاهش سبک فرزندپروری استبدادی و سهل گیرانه است. به بیان دیگر سوال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا به واقع می‌توان مادران را

¹ Gurney

² Axline

³ Pearson

⁴ Walker

در جهت استفاده از سبک مقتدرانه فرزندپروری آموزش داد؟ فرضیه های تحقیق شامل: ۱. در نمره سبک فرزندپروری مقتدرانه مادرانی که آموزش بازی درمانی مبتنی بر رابطه والد- کودک دریافت می‌کنند، افزایش معناداری نسبت به گروهی که این آموزش را دریافت نمی‌کنند دیده می‌شود. ۲. در نمره سبک فرزندپروری استبدادی مادرانی که آموزش بازی درمانی مبتنی بر رابطه والد- کودک را دریافت می‌کنند، کاهش معناداری نسبت به گروهی که این آموزش را دریافت نمی‌کنند دیده می‌شود. ۳. در نمره سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ی مادرانی که آموزش بازی درمانی مبتنی بر رابطه والد- کودک دریافت می‌کنند کاهش معناداری نسبت به گروهی که این آموزش را دریافت نمی‌کنند دیده می‌شود.

روش

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی و از نوع شبه آزمایشی (طرح پیش آزمون و سپس آزمون، گروه مداخله نما) می‌باشد، متغیر مستقل در این پژوهش برنامه آموزشی بازی درمانی مبتنی بر ارتباط والد- کودک می‌باشد که گروه آزمایش در معرض این متغیر قرار می‌گیرد و گروه مداخله نما در جلساتی که در باب تغذیه کودک و توزیع امکانات مهد برگزار می‌شود شرکت می‌نماید. متغیر وابسته نیز سبک‌های فرزندپروری در نظر گرفته شد. که با پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند سنجیده می‌شود.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مادران کودکان ۶-۴ ساله مهد کودک‌های منطقه تبادکان شهر مشهد در سال تحصیلی (۹۰-۸۹) می‌باشد. نمونه پژوهشی مزبور دربرگیرنده والدین کودکان یک مهد کودک است که به صورت نمونه گیری در دسترس از میان مهد کودک‌های منطقه تبادکان شهر مشهد انتخاب شده و بیست نفر مادر کودکان ۶-۴ ساله این مهد کودک از میان مادران شرکت کننده در جلسه ای که در مکان مهد کودک برگزار شد به صورت انتساب تصادفی در دو گروه ($n=10$) آزمایش و مداخله نما قرار گرفتند. بعد از پاسخگویی مادران به پیش آزمون و مشخص شدن اعضای گروه آزمایش، براساس توافق زمانبندی تشکیل جلسات مشخص گردید. جلسات هفته‌ای ۲ بار در مکان مهد کودک برگزار گردید. در این جلسات که حدود ۲ ساعت به طول می‌انجامید، پژوهشگر بر اساس دستورالعمل مطالب را طرح می‌نمود. **محتوای جلسات آموزش بازی درمانی مبتنی بر رابطه والد- کودک شامل:**

جلسه اول: هدف اصلی این جلسه ایجاد محیطی امن و مناسب برای مادران و تشویق آنها به صحبت درباره‌ی شیوه‌های رفتاری با فرزندانشان است. **جلسه دوم:** در این جلسه والدین با مفاهیم اساسی، اصول کلی و اهداف جلسات بازی آشنا می‌شوند و فهرستی از اسباب بازی‌های مخصوص در اختیار آنها قرار می‌گیرد. **جلسه سوم:** اساسی‌ترین هدف این جلسه آماده کردن مادران بر اولین جلسه بازی در خانه است. مهارت، بودن با بچه‌ها و در عین حال رهبری بازی توسط بچه‌ها از طریق ایفای نقش به مادران آموزش داده می‌شود. **جلسه چهارم:** در این جلسه مادران اولین جلسه بازی در خانه را گزارش

می‌دهند. **جلسه پنجم:** در این جلسه والدین به آگاهی بیشتری نسبت به ارتباطشان با کودکانشان دست می‌یابند. **جلسه ششم تا نهم:** تمام این جلسات ساختار مشابهی دارند. هر جلسه با گزارش والدین درباره جلسه بازی در خانه آغاز می‌شود. در جلسه ششم چگونگی واگذاری اختیار به کودکان و در عین حال ایجاد یک ساختار برای بازی آموزش داده می‌شود. در جلسه هفتم دادن پاسخ‌هایی که به ایجاد عزت نفس کودکان کمک می‌کند به والدین آموزش داده می‌شود. در جلسه هشتم روش‌های صحیح تشویق و تعریف از کودکان آموزش داده می‌شود. جلسه نهم چگونگی استفاده از این روش‌ها در موقعیت‌های غیر از بازی به مادران آموزش داده می‌شود. **جلسه دهم:** آخرین جلسه به مرور مطالب مطرح شده در جلسات قبل و همچنین صحبت درباره پیشرفت‌هایی که والدین در ارتباط با کودکانشان داشته‌اند، پرداخته می‌شود. در این پژوهش از روش آماری تحلیل واریانس مختلط استفاده شد.

ابزار: پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند: دینا بامریند از دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۹۷۳ مجموعه بررسی‌هایی را انجام داد که طی آن الگوهایی را از شیوه‌های فرزندپروری مشخص کرد. وی برای مطالعات خود پرسشنامه‌ای را طرح کرد که به نام خود او معروف شد. این پرسشنامه شامل ۳۰ جمله می‌باشد که ۱۰ جمله آن شیوه‌های سهل‌گیرانه (۲۸، ۲۴، ۲۱، ۱۹، ۱۷، ۱۴، ۱۳، ۱۰، ۶، ۱) و ۱۰ جمله آن شیوه‌های استبدادی (۲۹، ۲۶، ۲۵، ۱۸، ۱۶، ۱۲، ۹، ۷، ۳، ۲) و ۱۰ جمله آن شیوه‌های مقتدرانه را می‌سجد (۳۰، ۳۳، ۲۷، ۲۲، ۲۰، ۱۵، ۱۱، ۸، ۵، ۴) که با انتخاب یک گزینه از ۵ گزینه (کاملاً موافقم، موافقم، تقریباً موافقم، مخالفم، کاملاً مخالفم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بوری (۱۹۹۱) میزان اعتبار این پرسشنامه را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه مادران به شرح زیر گزارش نموده است. ۸۱٪ برای شیوه‌های سهل‌گیر، ۸۶٪ برای شیوه‌های استبدادی و ۷۸٪ برای شیوه‌های مقتدرانه دارای اعتبار می‌باشد. همچنین اعتبار آن در بین گروه پدران برای شیوه‌های سهل‌گیر ۷۷٪ و استبدادی ۸۵٪ و مقتدرانه ۹۲٪ می‌باشد. او برای بررسی شیوه میزان روایی، از روش محاسبه روایی افتراقی استفاده کرد و مشاهده نموده است که مستبد بودن مادران رابطه معکوسی با سبک سهل‌گیر ۳۸٪ و مقتدرانه ۴۸٪ دارد و نیز مستبد بودن پدران رابطه معکوسی با سبک سهل‌گیر ۵۰٪ و اقتداری ۵۲٪ دارد.

نتایج

جدول شماره ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای سبک‌های فرزندپروری استبدادی، سهل‌گیرانه، اقتدار منطقی، را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای سبک‌های فرزند پروری سهل‌گیر، اقتدار منطقی، و استبدادی

متغیرها	زمان آزمون	گروه	میانگین	انحراف استاندارد
سبک سهل‌گیر	پیش آزمون	آزمایش	۲۵/۲۲	۵/۰۴
	پس آزمون	کنترل	۲۳/۶۷	۵/۶۲
		آزمایش	۲۳/۰۰	۳/۸۷
	پیگیری	کنترل	۲۸/۲۹	۶/۹۹
		آزمایش	۲۳/۰۰	۳/۹۷
	کنترل	۲۷/۰۰	۵/۴۵	
سبک استبدادی	پیش آزمون	آزمایش	۲۹/۸۹	۶/۲۳
	پس آزمون	کنترل	۲۶/۴۳	۴/۹۹
		آزمایش	۱۹/۳۳	۳/۷۷
	پیگیری	کنترل	۲۵/۲۹	۶/۲۶
		آزمایش	۱۹/۴۴	۳/۰۰
	کنترل	۲۴/۲۹	۴/۳۱	
سبک اقتدار منطقی	پیش آزمون	آزمایش	۳۷/۵۶	۱/۶۷
	پس آزمون	کنترل	۴۱/۲۹	۵/۰۹
		آزمایش	۴۸/۵۵	۱/۰۱
	پیگیری	کنترل	۴۲/۰۰	۷/۸۷
		آزمایش	۴۶/۴۴	۲/۳۰
	کنترل	۳۹/۸۶	۶/۶۲	

جدول شماره ۲ روابط بین سبک‌های فرزندپروری اقتدار منطقی، سهل‌گیر، و استبدادی را در سه مرحله ارزیابی

(پیش آزمون، پس آزمون، و پیگیری) نشان می‌دهد.

جدول ۲. همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری در سه مرحله ارزیابی (پیش‌آزمون، پس‌آزمون، و پیگیری)

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱. پیش‌سهل‌گیر	۱/۰۰								
۲. پیش‌استبدادی	-۰/۰۹	۱/۰۰							
۳. پیش‌اقتدارمنطقه‌ی	*۰/۵۱	۰/۲۴	۱/۰۰						
۴. پس‌سهل‌گیر	**۰/۶۶	۰/۰۶	**۰/۶۱	۱/۰۰					
۵. پس‌استبدادی	-۰/۱۴	۰/۱۸	-۰/۱۷	۰/۰۴	۱/۰۰				
۶. پس‌اقتدارمنطقه‌ی	۰/۱۱	۰/۱۸	-۰/۰۳	-۰/۱۴	-۰/۲۸	۱/۰۰			
۷. پی‌سهل‌گیر	۰	-	**۰/۶۸	**۰/۹۱	۰/۰۸	۰/۰۱	۱/۰۰		
۸. پی‌سهل‌گیر	۰/۰۴	۰/۱۵	-۰/۱۰	۰/۱۴	**۰/۹۳	-۰/۲۵	۰/۰۶	۱/۰۰	
۹. پی‌اقتدارمنطقه‌ی	-۰/۱۲	۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۲۳	-۰/۲۶	**۰/۹۴	**۰/۹۴	۰/۱۳	۰/۰
									۱

* در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار هستند، ** در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار هستند. پیش = پیش‌آزمون؛ پس = پس‌آزمون؛ و پی = پیگیری

همانطور که در جدول ۱ نشان داده شده است، به جز بین میانگین پیش‌آزمون‌های سبک فرزندپروری سهل‌گیر با اقتدار منطقی در متغیرهای دیگر رابطه‌ی معنی‌داری مشاهده نشد. لذا برای مقایسه‌ی

تفاوت‌های بین دو گروه آزمایش و کنترل از آزمون تحلیل کوواریانس تک‌متغیری استفاده شد. قبل از اجرای این آزمون پیش‌فرض‌های آن به قرار زیر بررسی شد.

نرمال بودن داده‌ها: براساس شاخص‌های چولگی و کشیدگی این پیش‌فرض رعایت شده است (میزان چولگی و کشیدگی بین $-1/5$ و $+1/5$ می‌باشد).

همگنی رگرسیونی یا رابطه‌ی خطی بین متغیر تصادفی کمکی (پیش‌آزمون) و متغیر وابسته (پس‌آزمون): شیب‌های خط رگرسیون در تمامی متغیرهای مورد مطالعه پژوهش موازی بودند. لذا می‌توان گفت که این پیش‌فرض رعایت شده است.

همگنی شیب‌های رگرسیونی: تعامل گروه و پیش‌آزمون برای متغیر سبک استبدادی معنادار نیست ($F=0/72, p=0/403$)، تعامل گروه و پیش‌آزمون برای متغیر سبک سهل‌گیر معنادار نیست ($p=0/54, F=0/65$)، تعامل گروه و پیش‌آزمون برای متغیر سبک اقتدار منطقی معنادار نیست ($p=0/52, F=$ از این رو، می‌توان گفت که این پیش‌فرض نیز رعایت شده است).

همگنی واریانس‌ها: نتایج آزمون لون نشان داد که همگنی واریانس‌ها برای متغیرهای سبک استبدادی ($F_{(39,2)}=1/54, p=0/228$)، سبک سهل‌گیر ($F_{(39,2)}=0/47, p=0/628$)، سبک اقتدار منطقی ($F_{(39,2)}=2/14, p=0/131$) رعایت شده است.

با توجه به اینکه مفروضه‌ی دال بر ارتباط میان سبک‌های فرزندپروری مطرح نبود از تحلیل کوواریانس چند متغیری صرف نظر شد. بنابر این برای مقایسه‌ی میانگین گروه‌ها و کنترل اثر پیش‌آزمون از آزمون کوواریانس تک متغیری استفاده شد. جدول شماره ۳ نتایج تجزیه و تحلیل کوواریانس را برای متغیر سبک فرزندپروری سهل‌گیر نشان می‌دهد.

جدول ۳. تحلیل کوواریانس با کنترل اثر پیش‌آزمون برای متغیر سبک فرزندپروری سهل‌گیر

متغیر	منابع تغییرات	df	F	P-value	ضریب اثر
پیش‌آزمون		۱	۱۰/۸۷	<۰/۰۰۱	۰/۳۹
گروه	سبک فرزندپروری سهل‌گیر	۱	۲/۳۲	۰/۱۴۶	۰/۱۲
خطا		۱۷			

همانطور که جدول ۳ نشان داده است، تفاوت میانگین متغیر سبک سهل گیر در گروه آزمایش با گروه کنترل در مرحله‌ی با کنترل اثر پیش‌آزمون معنی‌دار نیست ($F_{(۱, ۱۷)} = ۲/۳۲$ ، $p = ۰/۱۴۶$). لذا مداخله در تغییر سبک فرزندپروری سهل گیر اثربخش نبوده است. جدول شماره ۴ نتایج تجزیه و تحلیل کوواریانس را برای متغیر سبک فرزندپروری استبدادی نشان می‌دهد.

جدول ۴. تحلیل کوواریانس با کنترل اثر پیش‌آزمون برای متغیر سبک فرزندپروری استبدادی

متغیر	منابع تغییرات	df	F	P-value	ضریب اثر
پیش‌آزمون		۱	۴/۱۸	۰/۰۵۷	۰/۲
گروه	سبک فرزندپروری استبدادی	۱	۱۱/۳۴	۰/۰۰۴	۰/۴
خطا		۱۷			

همانطور که جدول ۴ نشان داده است، تفاوت میانگین متغیر سبک استبدادی در گروه آزمایش با گروه کنترل با کنترل اثر پیش‌آزمون معنی‌دار است ($F_{(۱, ۱۷)} = ۱۱/۳۴$ ، $p = ۰/۰۰۴$). از این‌رو، با توجه به جدول میانگین‌ها (جدول شماره ۱) می‌توان گفت که مداخله در تغییر سبک فرزندپروری استبدادی اثربخش بوده است. جدول شماره ۵ نتایج تجزیه و تحلیل کوواریانس را برای متغیر سبک فرزندپروری اقتدار منطقی نشان می‌دهد.

جدول ۵. تحلیل کوواریانس با کنترل اثر پیش‌آزمون برای متغیر سبک فرزندپروری اقتدار منطقی

متغیر	منابع تغییرات	df	F	P-value	ضریب اثر
پیش‌آزمون		۱	۳/۲۸	۰/۰۸۸	۰/۱۶
گروه	فرزندپروری اقتدار منطقی	۱	۱۸/۵۲	< ۰/۰۰۱	۰/۵۲
خطا		۱۷			

همانطور که جدول ۵ نشان داده است، تفاوت میانگین متغیر سبک اقتدارمنطقی در گروه آزمایش با گروه کنترل با کنترل اثر پیش‌آزمون معنی‌دار است ($p < 0/001$ ، $F_{(1, 17)} = 18/52$). از این‌رو، با توجه به جدول میانگین‌ها (جدول شماره ۱) می‌توان گفت که مداخله در تغییر سبک فرزندپروری اقتدارمنطقی اثربخش بوده است.

برای بررسی پایداری اثربخشی مداخله، نمره‌ی میانگین مرحله‌ی پیگیری از نمره‌ی میانگین مرحله‌ی پیش‌آزمون کم شد و تفاضل میانگین پیش‌آزمون و پیگیری در سه متغیر مورد مطالعه با استفاده از آزمون t تفاضل مورد مقایسه قرار گرفت.

جدول شماره ۶ نتایج تجزیه و تحلیل t تفاضل را برای مقایسه‌ی تفاضل پیش‌آزمون و پیگیری متغیرهای سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیر، استبدادی، و اقتدار منطقی بین دو گروه آزمایش و کنترل نشان می‌دهد.

جدول ۶. تجزیه و تحلیل t تفاضل برای مقایسه‌ی تفاضل نمرات پیش‌آزمون و پیگیری متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	آزمون همگنی		df	t	p
			واریانس‌های یون	F			
واریانس‌ها همگن‌اند	۲/۳	۴/۷۶			۱۴	-۰/۱۵	۰/۸۸
واریانس‌ها همگن نیستند	سهل‌گیر	۴/۶۵	۰/۳۹	۰/۵۴۱	۱۳/۹۹	-۰/۱۶	۰/۸۷۶
واریانس‌ها همگن‌اند	۱۰/۴	۶/۶۵			۱۴	۳/۰۹	۰/۰۰۸
واریانس‌ها همگن نیستند	استبدادی	۴/۸۵	۰/۵۱	۰/۴۸۷	۱۳/۳۳	۳/۲۹	۰/۰۰۶
واریانس‌ها همگن‌اند	-۱۱/۱	۲/۱۳			۱۴	-۴/۴۶	۰/۰۰۱
واریانس‌ها همگن نیستند	منطقی	۶/۲۵	۰/۱۲۹	۰/۱۲۹	۷/۲۶	-۴/۰۳	۰/۰۰۵

همانطور که در جدول ۶ نشان داده است، بین گروه آزمایش و کنترل در متغیر سبک‌های دلبستگی استبدادی و اقتدار منطقی در تفاضل بین پیش‌آزمون و پیگیری تفاوت معنی‌داری وجود دارد، و در متغیر سبک فرزندپروری سهل‌گیر تفاوت معنی‌داری در تفاضل نمره‌ی پیش‌آزمون و پیگیری این سبک وجود نداشت. لذا با توجه به نمره‌ی میانگین تفاضل نمره‌های پیش‌آزمون و پیگیری که در جدول ۶ نمایش داده شده است، می‌توان نتیجه گرفت که اثر مداخله در مرحله‌ی پیگیری نیز برای متغیرهای سبک فرزندپروری استبدادی و اقتدار منطقی پایدار مانده است.

بحث و نتیجه گیری

چگونگی احساس والدین نسبت به خود و حس کارآمدی خویش به عنوان پدر یا مادر بر تعاملات آن‌ها با فرزندانشان و به طور کلی بر روابط خانوادگی‌شان تأثیر بسزایی می‌گذارد. به دلیل اهمیت بازی به عنوان مهم‌ترین وسیله‌ی ارتباطی کودک می‌توان از آموزش بازی درمانی مبتنی بر روابط والد-کودک برای ارتقاء روابط در خانواده درمانی استفاده کرد. پژوهش حاضر به بررسی اثربخشی این روش بر سبک‌های فرزندپروری می‌پردازد.

همانطور که یافته‌ها نشان می‌دهد، در نمره سبک فرزندپروری مقتدرانه مادرانی که آموزش بازی درمانی مبتنی بر رابطه والد-کودک دریافت می‌کنند افزایش معناداری نسبت به گروهی که این آموزش را دریافت نمی‌کنند دیده می‌شود.

تأیید این فرضیه نشان می‌دهد که آموزش ۱۰ جلسه‌ای بازی درمانی مبتنی بر رابطه والد-کودک به مادران می‌تواند در بکار بردن سبک اقتداری توسط مادران مؤثر واقع می‌شود این یافته همخوان با یافته‌های پژوهش‌های هانت^۱ (۲۰۱۰)، ری^۲ (۲۰۰۷)، گارزا^۳ (۲۰۰۷) می‌باشد. اگرچه این پژوهش‌ها مستقیماً تأثیر این روش را بر سبک‌های فرزندپروری مورد سنجش قرار ندادند اما مفروضه‌های اساسی سبک فرزندپروری مقتدرانه مانند واگذار کردن مسؤولیت متناسب با سن کودک، ایجاد حس آزادی در کودک، صمیمیت و دلسوزی والد حساسیت نسبت به نیازهای کودک و... را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

1. Hants

2. Ray

3. Garza

همچنین تأیید این فرضیه نشان می‌دهد از آنجایی که آموزش بازی درمانی مبتنی بر ارتباط والد-کودک به رهبری جلسات بازی توسط کودک با وجود قوانین محدود، روشن و مختصر اما لازم الاجرا، واگذار کردن مسؤولیت و حق انتخاب مناسب با سن کودک و به کار بردن راهکاری منطقی برای نافرمانی کودک از قوانین، فراهم کردن شرایط تصمیم‌گیری برای کودک و ایجاد حس خودکنترلی می‌پردازد، می‌تواند به افزایش به کار بردن سبک مقتدرانه توسط مادر منجر شود.

همچنین نتایج نشان می‌دهد درنمره سبک فرزندپروری استبدادی مادرانی که آموزش بازی درمانی مبتنی بر ارتباط والد-کودک دریافت می‌کنند با نمره سبک فرزندپروری استبدادی مادرانی که این آموزش را دریافت نمی‌کنند تفاوت معناداری وجود دارد.

نتیجه این پژوهش همخوان با پژوهش‌های جانسون^۱ (۲۰۰۷)، گلاسر و کاتمن^۲ (۱۹۹۹)، اسپارک^۳ (۲۰۱۰) و واتز و بُرداس^۴ (۲۰۰۲) می‌باشد. تأیید این فرضیه نشان دهنده این مطلب است که آموزش بازی درمانی مبتنی بر ارتباط والد-کودک به مادران به دلیل تأکید بر توجه به احساسات کودک، احترام به کودک و تصمیمات او، واگذاری رهبری به کودک و پیروی مادر از او، بیان آزادانه احساسات، افکار و خواسته‌ها توسط کودک و درک و پذیرش دنیای کودک و تشویق کودک می‌تواند به کاهش میزان به کار گیری سبک فرزندپروری مستبدانه منجر شود.

پژوهش حاضر کاهش معناداری در سبک فرزندپروری سهل‌گیر در گروه آزمایش نشان نداد. دلایل احتمالی زیادی می‌تواند در به دست آوردن این نتیجه دخیل باشد که از آن جمله می‌توان به قدرتمند نبودن طرح آزمایشی، کم بودن حجم نمونه و عوامل روان‌شناختی عمیق و ناخودآگاه در افراد نمونه و پویایی‌های عوامل فرهنگی اشاره کرد.

به طور کلی عامل مهمی که در موفقیت درمانگر در این پژوهش مؤثر واقع شد ویژگی‌های جلسات می‌باشد. این ویژگی‌ها عبارتند از تمرکز بر آینده و القا امید، در عوض تلاش در جهت اصلاح گذشته، از آنجا که مادران تعلیم می‌بینند تا به جای تمرکز بر درک علل رفتار یا تلاش برای تحلیل نیازهای فرزند خود، مهارت‌هایی خاص را بیاموزند، از انتظارات مثبت برخوردار می‌شوند. به موازاتی که والدین با موفقیت به تمرین مهارت‌های تازه آموخته اقدام می‌کنند، اعتماد به نفس آنان افزایش می‌یابد. در این فرایند حمایت والد از جانب گروه والدین هم‌تا و تشویقی که از درمانگر دریافت می‌کنند، عاملی تعیین‌کننده است.

1. Johnson
2. Glazer & Kotman
3. Spark
4. Wats & Brudas

کنترل تمامی متغیرهای موجود به طور همزمان در این پژوهش‌ها بسیار مشکل و نزدیک به محال است. همچنین در این پژوهش عدم پیشینه تحقیقاتی و تجربی در زمینه آموزش بازی درمانی مبتنی بر ارتباط والد-کودک به والدین در ایران از محدودیت‌های این پژوهش بود. از طرفی عدم پیشینه تحقیقاتی و تجربی در زمینه تأثیر این روش به والدین بر سبک‌های فرزندپروری در ایران و خارج از ایران از محدودیت‌های دیگر این پژوهش بود.

پیشنهاد می‌شود این سبک از بازی درمانی به مدیران و به خصوص مربیان مهد کودک‌ها، معلمین مدارس به منظور غنی‌تر شدن رابطه مربی و کودک ارتقا سطح تحصیل آموزش داده شود.

پیشنهاد می‌شود این پژوهش در گروه‌های بزرگ‌تر مورد ارزیابی قرار گیرد تا اعتبار این روش با اطمینان بالاتری برآورد شود و نیز پیشنهاد می‌شود این مدل با سایر مدل‌های بازی درمانی مقایسه شود. در پایان نویسنده لازم می‌داند از مهد کودک گل‌سار که امکانات لازم جهت برگزاری کارگاه آموزشی مرتبط با این پژوهش را در اختیار پژوهشگر قرار داد قدردانی نماید.

به طور خلاصه یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان از روش آموزش بازی درمانی مبتنی بر ارتباط والد-کودک در جهت ارتقا و غنی‌تر ساختن سبک فرزندپروری بهره جست.

منابع

تقی زاده طیبی، افسانه (۱۳۸۵). بررسی رابطه ویژگی سخت‌رویی با شیوه‌های فرزندپروری دانشجویان سال اول دانشگاه الزهرا (س). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا (س).

خدایی خیابوی، سیامک (۱۳۸۰). روان‌شناسی بازی. تبریز: انتشارات احرار.

خوئی‌فر، غلامرضا؛ رجایی، علیرضا و محبراد، تکتم (۱۳۸۶). رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر. دانش و پژوهش در روانشناسی، ۳۴، ۹۲-۷۵.

آتنا (۱۳۸۹). بازی درمانی شناختی رفتاری. مترجم: رمضان، غزال. تهران: رشد

شریفی، فاطمه (۱۳۹۰). بررسی رابطه ادراک دانش آموزان از سبک‌های فرزندپروری والدین با خود تنظیمی تحصیلی و جهت‌گیری مذهبی آنان در مدارس متوسطه ناحیه ۲ شهر کرمان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی.

کیمجانی، مهرناز و ماهر، فرهاد (۱۳۸۶). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری والدین نوجوانان با اختلال سلوک و نوجوانان عادی. دانش و پژوهش در روانشناسی، ۳۳، ۶۳-۹۴.

لندرث، کاری. ل (۱۳۷۸). بازی درمانی. مترجم: خدیجه آرین. تهران: اطلاعات.

لندرث، گری (۱۳۹۰). بازی درمانی هنر برقراری ارتباط. مترجم: داورپناه. تهران: رشد.

محدث، سیدعلی (۱۳۷۰). کودک و روابط خانوادگی. تهران: ایران زمین کهن.

Bornstein, Lea (2007). Parenting styles and child social development. Doctoral Dissertation, University Of Pennsylvani.

Garza, Y; Watts, R; Kinsworthy, S (2007). Filial therapy a process for developing strong parent-child relationships. *The Family Journal*, 15, 45-63.

Glass, N. (1987). Parents as therapeutic agents: A study of the effects of filial therapy. Doctoral Dissertation, North Texas State University.

Glazer, H. R. & Kottman, T. (1999). Filial therapy: Rebuilding the relationship between parents and children of divorce. *Journal of humanistic education & development*. 1. 4-9.

Gottfried, A. E. (1985). Academic intrinsic motivation in elementary and junior high school students. *Child Development*, 68, 507-529.

Grolink, WS. Ryan, RM. (1989). Parent styles associated with children's self regulation and competence in school. *Journal of Educational Psychology*, 81, 143-154.

Landreth, C. (2002). Play therapy: the art of the relationship (2nd ed). *New York: Brunner-Routledge*

Hants, K. F. (2010). The impact of brief play therapy training on the emotional awareness of core workers in young children's residential

care setting in Australia. *British journal of guidance counselling*. 3, 278-299

Johnson, L. (2007). Filial therapy: strengthening parent-child relationship through play. *Journal of marital & family therapy*. 1. 143-145.

Landreth, Garry L. Bratton, Sue C. (2006). *Child parent relationship therapy (CPRT)*. New York: Taylor Francis group

Lin, Y. (2002). Parent- child interaction and children's depression. *Journal of Adolescence*, 26, 6-53.

olghan-Abadi, M; Kimiaee,A;Amir,F(2011).The relationship between parents'child rearing style and their children'quality of life and mental health.*Journal of psychology*, 3,230-234.

Pearson, B. (2008). Effects of A Cognitive behavioral play intervention on children hope and school adjustment. Dissertation doctoral, case Western Reserve University

Ray, D. C. (2007). Impact of play therapy on parent-child relationship at a mental health training setting. *British journal of guidance and counseling*. 2, 165-187.

Spark, C. V. (2010). Filial therapy with adolescent parents: the effect on parental empathy, acceptance and stress. Doctoral dissertation. Liberty university

Walker, F. (2002). Filial therapy with parents court referred child malterafment, *Doctoral Dissertation Virginia Polytechnic Institute and State University*.

Watts, E; &Broaddus,j(2002).Improving parent- child relationship through filial therapy. *Journal of Counseling and Development*, 80, 372-379